

جلوه‌های بخشش و بخل در گلستان و بوستان

حسینعلی موسی زاده^۱

دکتر سید محمود سیدصادقی^۲

دکتر سید جعفر حمیدی^۳



تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۲

چکیده

در این مقاله دو موضوع بخشش و بخل مورد توجه قرار گرفته‌اند. دو موضوعی که نه تنها تصوّر برخی از مردم نسبت به آنها درست نیست بلکه بالعکس، بخشیدن، نوعی به دست آوردن و خساست از دست دادن است. در این نوشته تعدادی از کتاب‌های روان‌شناسی موقیت مورد مطالعه واقع شده است و در کنار آن و برای اثبات این مطالب در کتاب‌های گلستان و بوستان سعدی، پژوهش شده و ابیات و عباراتی که تأیید بر چنین مضمونی دارند استخراج و توضیح داده شده است. این تحقیق می‌خواهد بیشتر درباره‌ی بعد روان‌شناسی صفت مثبت بخشنده‌ی و صفت منفی بخل، تفحص کند، هم چنین می‌خواهد اثبات نماید که کتاب‌های گلستان و بوستان نه تنها اخلاقی هستند بلکه فراتر از آن روان‌شناسی اخلاق هستند و نکته‌های ویژه‌ای از اخلاق در آنها بیان شده است که راه خوشبختی حقیقی را برای مردم نمایان می‌سازد.

پرال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی: قرآن، نهج البلاغه، بخشنده‌ی، بخل، گلستان، بوستان، روان‌شناسی.

۱ - دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. hamusazadeh@chmail.ir

۲ - استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. sadeghi.mahmood@yahoo.com

۳ - استاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران. dr.sj.hamidi@yahoo.com

مقدمه

«وَمَثُلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلَ حَبَّةٍ أَبْتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبَلَةٍ مائَةُ حَبَّةٍ وَلَهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيهِمْ: مُثُلَ آنَانَ كَمَالِ الشَّانِ رَا در راه خدا انفاق می کنند به مانند دانه‌ای است که از یک دانه هفت خوش بروید و در هر خوش بی صد دانه باشد و خدا از این مقدار نیز بر هر که خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی منتهای است و به همه چیز احاطه‌ی کامل دارد.»

(بقره، ۲۶۱ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای)

بخشنده‌گی موضوع بسیار مهمی است، که نه تنها باعث فقر نمی‌شود بلکه راه گشای بزرگ راه سعادت و ثروتمندی می‌باشد «پیوسته نوع دوستی را در خود تقویت کنید، زیرا اولاً یاری‌گری و نوع دوستی احساسات مثبت فرد را تقویت کرده و در ثانی یاری‌گری سبب می‌شود که به طور خودکار و اتوماتیک، خودباوری‌های کامیابانه‌ی فرد تقویت شود. همین طور، از آنجایی که خودافزایی، ناشی از هم افزایی می‌شود این ویژگی نیز سبب می‌شود که فرد پیوسته در مسیر برخورداری و سعادت پایدار سیر کند.» (کاتلین هال، ۱۳۸۹، ص ۴۸) اما بسیاری از مردم چنین می‌اندیشند که نباید به دیگران چیزی ببخشند چون از ثروتمند کاسته می‌شود و با این اندیشه خساست را پیشه می‌کنند و نمی‌دانند مالی که بخشیده می‌شود طبق دستورهای دین مبین اسلام و حتی مطابق نظر روان‌شناسان غرب براساس قوانین طبیعت چند برابر آن بازگردنده می‌شود. «مَنْ ذَالَّذِي يَقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيُبَطِّلُ وَاللَّهُ تُرَجَّعُونَ: کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنة) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خدادست که می‌گیرد و می‌دهد و خلق به سوی او همه بازمی‌گردند.» (بقره، ۲۴۵ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای) آنها فکر می‌کنند اگر بخیل باشند، نه خود بخورند و استفاده نمایند و نه به دیگران ببخشنده‌ی ثروتمند خواهند شد ولی نمی‌دانند

که همیشه پول بخیل، ناخواسته از دست او بیرون خواهد آمد و داغ حسرت آن ثروت را بر دل او خواهد گذاشت. از آن بدتر برخی ننگ بخل را می‌پذیرند و حتی سلامتی خود را در برابر آن به خطر می‌اندازند.

«اشخاصی که در معرض کارهای بشر دوستانه قرار می‌گیرند به طور خودکار موجبات افزایش ایمونوگلوبین را در خود فراهم می‌آورند که این امر به بهبود سیستم ایمنی آنها کمک می‌کند.» (کاتلین هال، ۱۳۸۹، ص ۷۲)

با توجه به این که صفت مثبت بخشنده‌گی و صفت منفی خسیس بودن نقش مهمی در پیشرفت و رسیدن به سعادت دارند بررسی این دو دلیل مؤثر بر شادکامی و کامیابی در کتاب‌های روان‌شناسی موققیت و محتوای اخلاقی گلستان و بوستان سعدی می‌تواند برای علاقه‌مندان به موضوع روان‌شناسی موققیت و پژوهشگران ادب فارسی به ویژه آثار سعدی مفید باشد.

بخشنده

بخشنده در لغت به معنی داد و دهش و مترادف آن در عربی بذل است که خود نیز در فارسی کاربرد فراوان دارد اما این بخشش و دهش می‌تواند درجات متفاوتی داشته باشد. «قال الله تعالى: وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْكَانَ بِهِمْ خَاصَّةٌ: بدان که بر زبان اهل علم فرقی نیست میان جود و سخا و خداوند سبحانه و تعالی را به سخا صفت نکنند زیرا که در کتاب و سنت نیامده است و حقیقت جود آن است که بذل کردن بر تو دشخوار نباشد و به نزدیک قوم، سخا نخستین رتبت است، آن گاه از پس او جود، آن گاه ایثار. هر که برخی بدهد و برخی بازگیرد، وی صاحب سخا بود و هر که بیشتر بدهد و از آن چیزی خویشتن را بازگیرد او صاحب جود بود و آن که بر سختی بایستد و آن اندکی که دارد ایثارکند وی صاحب ایثار بود.» (ابوالقاسم قشیری، ۱۳۸۷ ص ۴۴۵ و ۴۴۶)

نzd خواجه نصیرالدین توسعی انواعی دارد که دو نوع کرم و ایشاره به موضوع مورد نظر در این مقاله ارتباط بیشتری دارد «سخا نوعی است که در تحت او انواع بسیار است و تفصیل بعضی از آن این است: اماً انواع فضایل مه در تحت جنس سخاست هشت است: اول کرم، دوم ایشاره، سوم عفو، چهارم مرورت، پنجم نیل، ششم مواسات، هفتم سماحت، هشتم مسامحت. اماً کرم آن بود که بر نفس سهل نماید انفاق مال بسیار دراموری که که نفع آن عام باشد و اماً ایشاره آن بود که بر نفس آسان باشد از هر مایحتاجی که به خاصه‌ی او تعلق داشته باشد برخاستن و بذل کردن در وجه کسی که استحقاق آن او را ثابت بود.»

(خواجه نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن توسعی، ۱۳۷۳، ص ۲۳)

«اصولاً شادی از سه راه به دست می‌آید: اولین راه، انتظار چیزی خوب را داشتن است. دومین راه مشارکت کردن و سومین راه از طریق خوشحال کردن شخصی دیگر است.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ص ۱۳)

خوشحال کردن دیگران می‌تواند با لبخند یا گفتن سخنی شیرین و دلپذیر و دادن انگیزه انجام گیرد اماً یکی از راه‌های دیگر دادن هدیه‌ای مناسب از قبیل شاخه‌ی گل یا کادو یا کمک مالی به دیگران است. کمک مالی به دیگران مورد سفارش اکید دین اسلام و پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) می‌باشد و در قرآن چندین بار به پرداخت خمس و زکات و دادن صدقه توصیه شده است. «رسول اکرم در ضمن بیان وظایف و حقوق همسایگان فرموده است: وَإِذَا شَرِيَتْ فَأِكِهْهَ فَأَهَدِهَا لَهُ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَادْخُلْهَا سَتْرًا وَلَا يَخْرُجْ بِهَا وَلَدُكَ يَغِيظُ بِهَا وَلَدُهُ يعني موقعی که برای خود و خانواده ات میوه خریداری می‌کنی مقداری از آن را به همسایگان اهداکن، اگر نمی‌توانی هدیه بدھی میوه را سری و محروم‌انه به منزل ببر. مراقب باش فرزندت میوه را به خارج منزل نبرد تا کودک همسایه از دیدن آن ناراحت و آزره خاطرگردد. (پیام آزادی، ۱۳۶۱، ۱۵۷) «وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا تَلْقَوْا بِاِيْدِيْكُمْ إِلَى

الْتَّهَلُكَةِ وَاحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ازمال خود در راه خدا اتفاق کنید لیکن نه به حد اسراف و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.» (بقره، ۱۹۵ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای)

اهمیت بخشش نزد پیامبر به اندازه‌ای است که حتی اگر کسی توان بخشنده‌گی ندارد باید مواظب هزینه‌های زندگی و شیوه‌ی مصرف خود باشد. از سویی ختم نبوت (ص) بخشش را آن اندازه مورد توجه قرار داده است که حتی مردم هنگام خرید مایحتاج روزانه‌ی خود دست بخشنده‌گی از جیب بیرون آورند.

نیم نانی گر خورد مرد خدای بذل درویشان کند نیم دگر
(گلستان، درسیرت پادشاهان، ۵۱)

انسان مؤمن حتی اگر یک قرص نان داشته باشد نیم آن را می‌بخشد و «پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند» (گلستان، سیرت پادشاهان، ۵۷) چون یاری رساندن به دیگران احساس شادی را در انسان برمی‌انگیزد، می‌توان گفت که «تقریباً غیر ممکن است که دیگری را خوشحال کنید و خودتان خوشحال نشوید. بسیاری از تجار موفق عاملانه و یا به صورت دیگر ثابت کرده‌اند که کمک به دیگران برای کسب موقیت مالی، باعث شده تا ثروت خود آنان نیز افزوده گردد. در زمانی که کودک بودید با خوشحالی در انتظار روز تولد و کریسمس بودید به یقین این روزها زمان هدیه گرفتن و شگفتی بود. هم چنان که بزرگتر می‌شوید هیجان و شادی پس از دادن هدایا و شگفتی‌ها به وجود می‌آید.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ۱۶۱ و ۱۶۴) گویند: «حکیمی را پرسیدند از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن را که سخاوت است به شجاعت حاجت نیست» (گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴) در جامعه‌ای که کتاب مقدس، پیشوایان دین و حکیمان آن از بخشنده‌گی سخن می‌گویند، همه‌ی اشاره‌جامعة باید سخاوتمند باشند.

چو آسايش خويش جويى و بس	نياسايد اندر ديار تو کس
کيش بگذرد آب نوشين به حلق؟	چو بیند کسی زهر در کام خلق
گزيند بر آرایش خويشتن	خنك آن که آسايش مردوزن
به شادى خويش از غم ديگران	نكردن رغبت هنر پروران
به تسبيح سجاده و دلق نيست	طريقت به جز خدمت خلق نيست
دمادم رسد رحمتش بر روان	وزآن کس که خيري بماند روان
غم بي نوایان رخم زرد کرد	من از بي نوايي نيم روی زرد
نه بر عضو مردم نه بر عضو خويش	نخواهد که بیند خردمند، ريش
که باشد به پهلوی يمار سست	منعَض بود عيش آن تندرست
به کام اندرم لقمه زهر است و درد	چو بینم که درويش مسکين نخورد
کجا ماندش عيش دربوستان؟	يکي را به زندان درش دوستان
چو بیند کسان بر شكم بسته سنگ	بعز سنجدل کي کند معده تنگ
چو بیند که درويش خون می خورد	تونگرخود آن لقمه چون می خورد
که می پيچد از غصه رنجوروار	مگو تندرست است رنجور دار
چو بیند درگل خرخارکش	دل پادشاهان شود بار کش
(بوستان، ۱۱۰)	

به دستکاین دولت و ملک می روددست به دست

(گلستان، سیرت پادشاهان، ۷۸)

دریاب کنون که نعمت هست

«يامن آدم کُن وصيَّ نفسيَّ فـي مالِكَ واعـمل فيـه ما تؤثـرُ آن يعـمل فيـه مـن بـعدِكَ: اي فـرـزـنـدـ آـدـمـ! خـوـدـتـ وصـيـ مـالـ خـويـشـ باـشـ. اـمـروـزـ بـهـ گـونـهـايـ عـملـ کـنـ کـهـ دـوـسـتـ دـارـيـ پـسـ اـزـ مـرـگـتـ عـملـ کـنـنـدـ». (نهجـ الـبـلاـغـهـ، صـ ۶۶۸ـ، حـكـمـتـ ۲۵۴ـ)

بزرگی بدون بخشنده‌گی به دست نمی‌آید. همانگونه که تا دانه‌ای نکاری چیزی نخواهد روید.

بزرگی باید بخشنده‌گی کن
که دانه تا نیفشانی نروید
(گلستان، سیرت پادشاهان، ۷۵)

برای به دست آوردن دل دوستان حتی اگر املاک پدر را بفروشی و برای نیک خواهان و هرچه درخانه داری به آتش بکشی بهتر است به او نیکی کنی. «لن تنالوالبر حَتَّى تُنْقِعُوا مِمَا تُحِبُّونَ: به بَرْ نتوانید رسید مگر آن که از آن چه دوست دارید اتفاق کنید.» (آل عمران، ۹۲)

تادل دوستان به دست آری
بوستان پدر فروخته به
پختن دیگ نیک خواهان را
هرچه رخت سراسات سوخته به
با بداندیش هم نکویی کن
دهن سگ به لقمه‌ای دوخته به
(گلستان، سیرت پادشاهان، ۹۱)

و اگر می‌خواهی از شر بداندیش رهایی یابی «اعتیب آخاک بالحسان‌الیه وارد دشّره بالانعام علیه: برادرت را با احسانی که در حق او می‌کنی سرزنش کن و شر او را با بخشش بازگردان (نهج البلاغه، ص ۶۴۸، حکمت ۱۵۸)

بهتر است کرم پیشه کنی و به درویشان ببخشایی و گرنه از تو به زور خواهند گرفت
چو سائل از تو، به زاری طلب کند چیزی
بله و گرنه ستمگر به زور بستاند
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۱۵)

اصلاً انسان آزاده نمی‌تواند بخشنده‌گی نکند چرا که:
قرار در کف آزادگان نگیرد مال
نه صبر در دل عاشق نه آب در غربال
(گلستان، سیرت پادشاهان، ۵۷)

مردانگی آن است که دهنی شیرین کنی نه ستم گری و زورگویی، که نشان جوان مردی نیست.

گرت ازدست برآید دهنی شیرین کن مردی آن نیست که مشتی بزنی بردهنی
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۳۹)

اگر جوان مردباشی و بخشنده چون حاتم طایی نام نیکت تا ابد خواهدماند.
نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکوی مشهور
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴)

اگر می‌خواهی ثروت و مکنت تو افزون گردد، زکات آن را باید پیردازی هم
چنان که فضله‌ی رز را می‌گیرند تا انگور بیشتری بدهد. «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَفْسٌ كُمْ
وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا بَغَاءً وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يَوْفَ أَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلِمُونَ: شما هرانفاق
و احسان کنید درباره‌ی خویش کرده‌اید و نبایست انفاق کنید جز در راه رضای خدا
و هر نیکی کنید از خداوند پاداش تمام به شما می‌رسد و هر گز به شما ستم نخواهد
رسید.» (بقره، ۲۷۳)

زکات مال را بدرکن که فضله‌ی رزرا چو با غبان بزند بیشتر دهد انگور
(گلستان، اخلاق درویشان، ۱۴۴)

حتی‌ بهرام گور که پادشاهی مقتدر و زورمند بود و بر همه‌ی کشور فرمانروایی
داشت نصیحت می‌کند که کرامت بهتر از قدرت است.

که دست کرم به ز بازوی زور نبیشه است برگور بهرام گور
(گلستان، اخلاق، ۱۴۴)

نه تنها کرم بهتر از زور بلکه از خویشاوندی هم بهتر است. چنان که «الكرم أعطاف
مِنَ الرَّحْمِ: بخشش بیش از خویشاوندی محبت می‌آورد» (نهج البلاغه، ص ۲۶۶
حکمت ۲۴۷)

زر و سیم برای تمتع و بهتر زندگی کردن است. افزون بر آن بخشنده‌گی نیز لذت آفرین است.

خویشتن هم تمتعی برگیر
از زر و سیم راحتی برسان
(گلستان، درفضیلت قناعت، ۱۶۳)

هر کس به سخاوتمندی شهره گشت دیگر نمی‌تواند بخشد و کسی که نام نیک
وی درکوی و برزن پیچید، دیگر نمی‌تواند درخانه را به روی مردم بیندد.

خداوندان کام و نیک بختی
چرا سختی خورند از بیم سختی
هر که علم شد به سخا و کرمب
ند نشاید که نهد بر درم
در نتوانی که بیندی به روی
(گلستان، تأثیرتربیت، ۲۳۳)

«موقعیت معمولاً به وسیله حمایت، تشویق، الهام، راهنمایی و کمک دیگران به
دست می‌آید. هم چنین این نکته نیز حقیقت دارد که کلید رسیدن به آن چه می‌خواهد،
کمک به دیگران است تا که آنان نخست به آن چه می‌خواهند برسند پس از این مرحله
است که ضمانت صد درصد به وجود خواهد آمد» (ریچاردنی، ۱۳۹۱، ۲۰)

همان گونه که سعدی می‌فرماید:
آن کس که به دینار و درم خیر نیندوخت
سر عاقبت اندر سردینار و درم کرد
خواهی متمنع شوی از دنی و عقبی
با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد
عرب گوید: جُدولاتمن فَإِنَّ الْفَائِدَةِ إِلَيْكِ عَادَهُ: یعنی بیخش و منت منه که نفع آن
به تو بازگردد.

گذشت ازفلک شاخ وبالای او
درخت کرم هر کجا بیخ کرد
به منت منه ازه برپای او
گر امیدواری که کزو برخوری
(گلستان، آداب صحبت، ۲۵۷)

امام علی (ع) می‌فرماید: «مَن يَعْطِي الْيَدَيْنِ الْقَصِيرَيْنِ يَعْطِي الْيَدَيْنِ الطُّوْلِيْلَهُ»: آن کس که بادست کوتاه ببخشد از دستی بلند پاداش می‌گیرد» (نهج البلاغ، ص ۶۶۲، حکمت ۲۳۲) پس بخشش نه تنها از دست دادن مال نیست بلکه به دست آوردن بیشتر هم هست. «دکتر آفرید آدلر یکی از مشهورترین روان‌شناسان است که همیشه به بیماران خود می‌گفت: تلاش کنید که هر روز چطور می‌توانید شخصی را دل شاد کنید. اگراین دستور را اجرا کنید در چهارده روز کاملاً بهبود می‌یابید. دکتر آدلر عقیده دارد بیماران مالیخولیایی و خیالاتی همیشه می‌خواهند عذر و بهانه‌ای برای اوقات تلخی و دلخوری داشته باشند اگر تلاش کنند هر روز یک کار خوب و مفید برای دیگران انجام دهند به زودی خوب خواهند شد» (دیل کارنگی، ۱۳۸۸، ۱۷۲) سپس دیل کارنگی از زیان پیامبر عظیم الشأن اسلام می‌گوید «کارخوب آن است که لبخندی از شادی بر صورت دیگران ظاهر کند» (همان، ۱۷۲)

توانگرا چودل و دست کامرانت هست
بخور، ببخش که دنیا و آخرت بر دی
(گلستان، تأثیرتریت، ۲۵۵)

«زرتشت می‌گوید: کارخوبی که برای دیگران انجام می‌دهید و ظرفیه و تکلیف نیست نوعی لذت است. زیرا به سلامتی و رضایت خاطر شما اضافه می‌کند» (دیل کارنگی، ۱۳۸۸، ۱۷۷) «پدر پولدارم هم تعلیماتش هم پوش را به دیگران می‌بخشید. وی عمیقاً به بخشش ده درصد از درآمدش اعتقاد داشت وی همیشه می‌گفت اگر چیزی می‌خواهی باید چیزی ببخشی. وقتی پول کمی داشت به کلیسا‌ای که به آن جا می‌رفت و یا به سازمان خیریه‌ی مورد علاقه اش پول می‌داد. هر وقت احساس می‌کنید چیزی را کم دارید یا به چیزی نیاز دارید اول از آن کمی ببخشید سپس مقادیر عظیمی از آن دریافت می‌کنید. این امر در مورد پول، عشق، لبخند یا روابط دوستانه و اجتماعی صادق است.» (رابرت کیوساکی،

(۲۲۲ - ۲۲۱، ۱۳۹۲)

«لَا تَسْتَحِنْ مِنْ اعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِرْمَانَ أَقْلُّ مِنْهُ»: از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن از آن کمتر است.» (نهج‌البلاغه ص ۶۱۸ حکمت ۶۷)

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
(گلستان، آداب صحبت، ۲۹۵)

نویسنده‌ی کتاب زندگی را شکلات کنیم ده راه برای بالا بردن رضایتمندی از زندگی بیان کرده است که مورد چهارم آن چنین می‌باشد. «بخشش و ایثار را از یاد نبرید. بخشش و ایثار را جزیی از زندگی خود قرار دهید و از این کار مقصودی را بجویید. افرادی که به دیگران بخشش و ایثار می‌کنند بیشتر از افرادی که برای خود بخشش می‌کنند، احساس رضایت می‌کنند.» (محمد صادقی سیار، ۱۳۹۱، ۴۸) و در کتاب گلستان شیخ اجل نیز چنین آمده است. «جوان مرد که بخورد و بدهد به از عابد که روزه دارد و بنهد.» (گلستان، آداب صحبت، ص ۲۷۷)

پنج کلید طلایی برای ثروتمند شدن و خوشبختی وجود دارد که کلید پنجم آن این موضوع می‌باشد. «همیشه بیشتر از آن چه دریافت می‌کنید بیخشید. این مهم ترین نکته است چون ضامن خوشبختی حقیقی است.» (محمد صادقی سیار، ۱۳۹۱، ۹۵) ور کریمی دو صد گنه دارد کرمش عیب‌ها فروپوشد (گلستان، آداب صحبت ۲۹۵)

پوشیدن عیب‌ها توسط بخشنده امام علی (ع) چنین مطرح می‌نماید «الجود حارسُ العراضِ: بخشنده نگاه دارندهٔ آبرو است.» (نهج البلاغه، ص ۶۵۸ حکمت ۲۱۱) مردم مانند اعضای یک پیکر هستند و به همدیگر نیازمندند. ضعف و ناتوانی در یکی از آن‌ها باعث فتور و سستی در دیگر اعضوها می‌باشد. پس انسان عاقل و خواهان پیشرفت غم خوار دیگران است و از رنج و آزار دیگران غمگین می‌شود. «للُّفَقَاءُ الذِّيَنَ

اُحصِروا فِي سَبِيلِ اللهِ لَا يَسْتَطِعُونَ ضَرَباً فِي الْأَرْضِ يَحْسُبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ الْعَفْفِ
تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلَحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ: صدقات
مخصوص فقیرانی است که در راه خدا ناتوان و بسی چاره‌اند و توانایی آن که کاری
پیش گیرند ندارند و از فرط عفاف چنان احوالشان به مردم مشتبه شود که هر کس
از حال آن‌ها آگاه نباشد پندراد او غنی است و بی‌نیاز، شما باست به فقر آن‌ها از
سیماشان پی برید که از عزّت نفس هرگز آن‌ها چیزی از کس سؤال نکنند و هر چه
انفاق کنند خدا بر آن‌ها آگاه است.» (بقره، ۲۷۳)

بنی آدم اعضای یک پیکرنده	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی
(گلستان، ۶۱)	

هنگامی که انسان با دشمن قوی پنجه‌ای روی رو است و نمی‌تواند او را شکست
بدهد بهتر است به جای زور از دادن نعمت به بهره بگیرد و به مقصد خویش برسد.
چو نتوان عدو را به قدرت شکست
به نعمت بباید در فنته بست
گزند به تعویذ احسان زیانش ببند
(بوستان، ۱۴۵)

حتّی اگر انسان به دشمن خود نیکی کند مطمئناً دندان طمع دشمن نسبت به وی
کُند خواهد شد.

علو را به جای خسک زر بریز	که احسان کُند کُند دندان تبر
چو دستی نشاید گزیدن ببوس	که با غالبان چاره زرقست ولوس
(بوستان، ۱۴۶)	

اما اگر کسی به بنده‌ای که غلام حلقه به گوش و مطیع مطلق است محبت و

نیکی نکند از وی دور خواهد شد و لطف و مهربانی حتی بیگانه را هم حلقه به گوش خواهد کرد.

لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
بندهی حلقه به گوش ار ننوازی برود
(گلستان، ۵۶)

همان به که لشکر به جان پروری
که سلطان به لشکر کند سروری
(گلستان، ۵۷)

اگر پادشاهی کرم پیشه کند همهی مردم دوست دار و فرمان بردار او خواهند بود
و گرد وی جمع خواهند شد. چرا که مردم بردهی لطف و احسان هستند. «گفت پادشاه
را کرم باید تا برو گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشینند.» (گلستان، ۵۷)
لکن هیچ گاه مردم تشننه برکنار آب شور گرد نمی‌آیند. بلکه هر کجا چشمهای با آب
گوارا باشد همهی جانداران بر آن تجمع می‌نمایند.

کس نبیند که تشنگان حجاز
به آب شور گرد آیند
مردم و مرغ و مور گرد آیند
هر کجا چشمهای بود شیرین
(گلستان، ۶۵)

«مرا خداوند تعالی، مالک این مملکت گردانیده است تا بخورم و ببخشم نه پاسبان،
که نگاه دارم.» (گلستان، ۷۵)

کسی که هر لحظه و بارها در حق تو نیکی کرده است اگر یک بار به تو ستمی
نمود پوزش او را بپذیر، چرا که ممکن است اشتباهی کرده باشد و از سویی برای آن
نیکی‌ها برگردن تو حق بسیار دارد.

آن را که به جای توست هر دم کرمی
عذرش بنه ارکند به عمری ستمی
(گلستان، ۸۲)

و اکنون که فرصتی از عمر توباقی است و توانایی آن را داری به مردم نیکی کن،

چون این مال و ثروت و قدرت و حکومت از تو گرفته خواهد شد و به کس دیگری سپرده خواهد شد.

دریاب کنون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می‌رود دست به دست (گلستان، ۸۷)

کسی که به هم نوعان خویش خیری برساند و به ویژه اگر درویشان و نیازمندان باشد پاداش کار او بهشت خواهد بود. «این پادشه به ارادت درویشان به بهشت اندراست.» (گلستان، ۱۱۲) «وَيَتَّخِذُ مَا يُنِيقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَواتٍ الرَّسُولِ الْأَئِمَّهِ قُرْبَةً لَّهُمْ سَيِّدُ الدِّلْهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ وَ آنَّ چه در راه خدا اتفاق می‌کند موجب تقریب نزد خدا و دعای خیر رسول دانند آری آگاه شوید که اتفاق آن‌ها موجب قرب خداست و البته خدا آنان را در سرای رحمت خود (بهشت ابد) داخل می‌گرداند که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» (توبه، ۹۹)

در کتاب کشف الاسرار در تفسیر آیه‌ی ۲۶۷ سوره‌ی بقره چنین آمده است «يا آيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ: اي کسانی که ایمان آور دید نفعه کنید از پاکیزه‌های آن چه کسب کردید و به دست آوردید.

بر زبان اشارت این خطاب با جوان مردان طریقت است. ایشان که چون دیگران تحصیل مال کردند. ایشان تصفیت مال جستند، دیگران به خرج مال به نعیم و ناز بهشت رسیدند و ایشان به اتفاق مال، نسیم وصال حق یافتند اگر جوینده‌ی بهشت تاطیيات کسب خویش اتفاق نکند به بهشت نمی‌رسد پس جوینده‌ی حق اولی‌تر که تا کسب احوال و طیبات اعمال در نیازد به حق نرسد.» (رشیدالدین مبیدی ۱۳۸۴، ص ۴۶) بهتر است که مردم هنگام سلامتی، به فکر درماندگان باشند چرا که رسیدگی به امور مسکینان رفع بلاست و از طرفی زمان درماندگی، همه‌ی مردم خود را محتاج دعا می‌بینند و تلاش در انجام امر خیر دارند. و اگر محتاجی از تو چیزی طلب کرد و به

او ندادی مجازات کار تو این خواهد بود ستمگر به زور از تو خواهد گرفت.

به روزگار سلامت، شکستگان دریاب
که جبر خاطر مسکین بلا بگرداند
چو سایل از تو، به زاری طلب کند چیزی
بده و گرنه ستمگر به زور بستاند
(گلستان، ۱۱۵)

بخل

بخل درلغت: (بُ) (ع) (ا) تنگ چشمی و خست (محمدمعین، ۱۳۸۴ ج ۱) معنی شده است یعنی اسم یا همان مصدرعربی و صفت آن بخیل می باشد.

یکی از صفات مذموم بشری بخل است. «ایاکَ و مُصَاحِبَةُ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فَى مالِهِ أَحَوْجُ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ: با بخیل مصاحب مکن زیرا اگر به مال او نیاز پیداکنی او بخل می ورزد و دست را نمی گیرد.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۶) برخی از مردم آن را توجیهی برای پس انداز تصوّر می کنند. به این دلیل تلاش می کنند تا در زندگی اقتصادی و مالی خود هزینه های کمتری صرف نمایند تا به گمان خود ثروتمند گردند، لیکن در این کار چنان افراط می کنند که از زندگی خود هیچ بهره و لذتی نمی برند حتی خانواده و اهل و عیال و فرزندان خود را نیز عذاب می دهند. البته بر همگان مبرهن است که کم هزینه کردن در معنی قناعت امری پسندیده می باشد اما اگر از حد بگذرد و به بخل بینجامد و زندگی ولذت های آن را تحت شعاع قرار دهد، دیگر صفتی نیک به شمار نخواهد آمد. بدان که زهد عبارت از ترک است و زاهد کسی را گویند که او را از دنیا وی چیزی بوده باشد و به اختیار خود آن را ترک کرده بود و هر که چیزی را نبوده باشد و ترک نکرده بود، او را زاهد نگویند، فقیر گویند و هر که ترک دنیا کند از برای اظهار سخاوت، یا از برای قبول خلق یا از جهت سبب دیگر که نه از برای خدا بود و نه از برای آخرت بود او را هم زاهد نگویند زاهد آن باشد که ترک دنیا کند از برای ثواب آخرت یا از برای خدا.» (انسان کامل، ۳۳۰) روان شناسان

انجام برخی از کارها را که هزینه کردن برای زندگی است و در واقع نفی بخل می‌باشد در نکات و دلایل موقّیت چنین بیان می‌کنند: «به ظاهر خودتان برسید: اگر ظاهرتان خوب باشد واقعاً به شما کمک خواهد کرد تا در درونتان نیز احساس خوبی داشته باشید. چقدر از دیگران می‌شنویم که می‌گویند: چقدر احساس بهتری دارم. پس از آن که مدل مویشان را عوض کرده‌اند و یا لباس جدیدی خریده‌اند حتی آنان اعتماد به نفس بیشتری نیز به دست آورده‌اند. پولی که صرف ظاهر خود می‌کنید ارزشمند است اماً به افراط کشیده نشوید.» (ریچار دنی، ۱۳۹۱، ۴۹)

سعدي نيز در حکایت جمال سعدي با مدعى می‌گويد: «گفت: غلط گفتی که بنده‌ي درم‌اند. چه فایده چون ابر آذارند و نمی‌بارند و چشم‌هی آفتابند و برکس نمی‌تابند. بر مرکب استطاعت سوارانند و نمی‌رانند، قدمی بهر خدا ننهند و درمی‌بی من و اذی ندهند، مالی به مشقت فراهم آرند و به خست نگه دارند، و به حسرت بگذارند، چنان که حکیمان گویند: سیم بخیل و قتی از خاک برآید که وی درخاک رود.» (گلستان، جمال سعدي بامدعى، ص ۲۴۸)

چنان که اشاره شد سعدي هم بر بخیلان تاخته است و آنها را بنده‌ي پول دانسته درحالی که توانایی خوردن و بخشیدن دارند نه خود می‌خورند و نه به دیگران می‌بخشند. در صورتی که نگهداری مال آدابی دارد: «و اماً حفظ مال بی تعمیر می‌سیر نشود. چه خرج ضروری است و در آن سه شرط نگاه باید داشت: اوّل آن که اختلالی به معیشت اهل منزل راه نیابد، دوم آن که اختلالی به دیانت و عرض راه نیابد. چه اگر اهل حاجت را با وجود ثروت محروم گذارد، در دیانت لایق نبود و اگر از ایثار بر اکفا و متعرضان عرض اعراض کند از همت دور باشد. سوم آن که مرتکب رذیلتی مانند بخل و حرص نگردد.» (خواجه نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن توسي، ۱۳۷۳ ص ۱۰۹) امام علی (ع) نيز انسان بخیل را جامع بسیاری از عیب‌ها می‌داند و او را به

سوی هر بدی سوق می‌دهد. «البُخْلُ جامِعُ الْمُسَاوِيِّ الْعَيُوبِ وَهُوَ زِمَامٌ يَقَادُ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ: بُخْلٌ وَرِزْيَدُنْ كَانُونٌ تَمَامٌ عِيَبٌ هَا وَمَهَارِي اسْتَ كَهْ انسَانٌ رَا بِهِ سُوی هر بدی می‌کشاند.» (نهج البلاغه، ص ۷۰۸، حکمت ۳۷۸)

مردم بدانند که در رزق خداوند تبارک و تعالی، بر روی هیچ کس حتی گناه کار، هرگز بسته نخواهد شد پس نیازی به این همه خساست نیست.

ولیکن خداوند بالا و پست
به عصیان در رزق برکس نبست
(بوستان، ۳۵)

چنان پهن خوان کرم گسترد
که سیمرغ در قاف قسمت خورد
(بوستان، ۳۶)

برخی چنین می‌اندیشند که اگر از پول و ثروت خود ببخشند فقیر می‌شوند، همه یا لاقل بخشی از ثروت خود را از دست می‌دهند. در صورتی که روان شناسان چنین عقیده‌ای ندارند و می‌گویند: «کار خیریه انجام دهید. اجازه دهید به یکی از اصول اولیه بازگردیم. اگر به دیگران کمک کنید تا به آنچه می‌خواهند برسند عدم موقّیت غیر ممکن می‌گردد. اگر فقط همه‌ی افراد بیکار وقت خود را صرف کارهای خیریه می‌کردند و به ویژه به افراد ضعیفتر از خود کمک می‌کردند، به طور خودکار به خود کمک می‌کردند تا اعتماد به نفس، ایمان و وجهه‌ی خود را بهتر کنند و بدین صورت به خودشان کمک می‌نمودند تا به سوی کاری موفق حرکت کنند. سعی کنید تا زمان اندکی را وقف کمک به دیگران کنید، حتی اگر به شدت مشغول هستید و یا فوق العاده موفق هستید، این مقدار اندک وقتی که صرف می‌کنید کمک به ساخت اعتماد به نفس، ایمان و وجهه‌ی شما می‌کند.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ۵۲-۵۳)

شناخته شدن در جامعه و به عبارتی اعتبار اجتماعی یکی از مبانی مهم موقّیت است و بهترین راه کسب اعتبار اجتماعی بخشندگی است. در حالی که خساست دقیقاً

نقشه مقابل آن و باعث بدنامی و بی اعتباری است. «هر که در زندگانی نانش نخورند

چون بمیرد نامش نبرند.» (گلستان، ۲۷۹)

«شَابٌ سَخِيُّ مُرْهَقٌ فِي الذَّنَوبِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ: جوان با سخاوتی که مرتكب گناهانی شود نزد خدا از بیر مرد عابد بخیل، محبوب تر است.»

(اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱)

«یکی از بهترین سرمایه‌گذاری‌هایی که می‌توانید انجام دهید روح خودتان است. به سخنرانی و یا سمینارها بروید. مغز خودتان را با افکار جدید، بنیادی و دانش آشنا کنید. به مغز خود فرصت دهید تا مطالعه کند. اجازه دهید تا مغزتان از فیلم‌ها، نوارها و لوح‌های فشرده یاد بگیرد. این هزینه‌ی اندک، سرمایه‌گذاری است که شما و خانواده‌یتان از آن پاداش‌های بی‌شماری به دست می‌آورید. بسیار عالی است که افراد کتاب‌های فراوانی درباره‌ی آشپزی، ورزش، تناسب اندام و سایر تغزیحات می‌خشنند. سرمایه‌گذاری که شما در خرید کتاب‌های پیشرفته شخصی و کمک به خود می‌کنید، موفقیت و پاداش‌های فراوانی درآینده برای شما می‌تواند به بارآوردد. مغز خود را با دانش تغذیه کنید. مغز عطش فراوانی برای اطلاعات قابل استفاده دارد.» (ریچاردنی، ۱۳۹۱، ۳۳-۳۴) سعدی در حکایتی بخیلی را توصیف می‌کند که زر را از جان عزیزتر می‌دارد و حاضر است ختم قرآن کند اما پول نذر نکند «توانگری بخیل را پسری رنجور بود. نیک خواهان گفتندش: مصلحت آن است که ختم قرآن کنی از بھروی یا بذل قربانی، لختی به اندیشه فرورفت و گفت: مصحف مهجور اولی تر که گله‌ی دور. صاحب دلی بشنید و گفت: ختمش به علت آن اختیار آمد که قرآن بر سر زبان است و زر در میان جان.

دریغا گردن طاعت نهادن گرش همراه بودی دست دادن

به دیناری چو خر در گل بمانند ور الحمدی بخواهی صد بخوانند

(گلستان، ضعف سیاسی، ۲۲۵)

در حکایتی دیگر شخصی، کسی را که نیازمند نوشدارو است به بازرگانی راهنمایی می‌کند که در بخل شهره‌ی آفاق بود به گونه‌ای که اگر به جای نان خورشید را در سفره‌ی او بود مردم از نور آن بی بهره می‌ماندند. «فلان بازرگان نوشدارو دارد اگر بخواهی باشد که دریغ ندارد. گویند آن بازرگان به بخل معروف بود.

گربه جای ناشن اندر سفره بودی آفتاب تا قیامت روز روشن کس ندیدی در جهان»
(گلستان، فضیلت قناعت، ۱۵۱)

اما چرا مردم بخل می‌ورزند چون بیشتر از فقر می‌ترسند «در بخل چون اندیشه کند داند که سبب آن خوف بود از فقر و احتیاج یا محبت علو رتبت به مال یا شرارت نفس و طلب عدم خیرات خلق را.» (خواجه نصیرالدین محمد بن محمد بن حسن توosi، ۱۳۷۳ ص ۱۰۶) روان‌شناسان تأکید می‌کنند که اگر شخصی می‌خواهد درخود و زندگی خویش تغییر ایجاد نماید و نیز سطح خودانگیختگی خود را ارتقا دهد باید کارهایی انجام دهد که برخی از آن‌ها به هزینه نیازمند است و به عبارتی انسان بخیل نمی‌تواند چنین کارهایی را در برنامه‌ی زندگی خویش بگنجاند. این راه کارها عبارتند از: «۱- در یادگیری سرمایه گذاری کنید. خودانگیختگی با ایده‌های جدید تحریک می‌گردد. عادت کنید همواره کتاب‌ها لوح‌های فشرده و نوارهای جدید درباره‌ی رشد فردی بخرید و از آنها کتاب خانه‌ای بسازید. ۲- سالم و خوش اندام باشید. هر قدر تناسب اندام بهتر باشد مغز توانا تر است. هم چنانکه میانگین عمر در جوامع غربی هر دهه افزایش یافته است دلایل بیشتری برای قبول مسئولیت بدن و حفظ تناسب اندام و سلامت آن به وجود آمده است. به ندرت با افرادی خود انگیخته برخورد می‌کنید که از طریق ورزش و تغذیه‌ی صحیح مسئولیت حفظ تناسب اندام و صحّت بدن خود را متقبل نشده باشند.» (ریچارد دنی، ۱۳۹۱، ۱۹۲) «۳- رژیم غذایی مناسب: سالم‌مندی (عمر طولانی) طلب می‌کند که فرد از تغذیه‌ای سالم برخوردار باشد و بررسی‌های انجام شده گویای این واقعیت

است که رژیم غذایی مدیترانه‌ای بهترین شیوه‌ی طولانی کردن این فرایند است. زیرا در این رژیم تندرستی بخش، غذاها حاوی الیاف بالا و چربی کم بوده و در عین حال در این رژیم، مصرف غذاهایی چون ماهی، روغن زیتون، غلات سبوس دار، سبزیجات و آجیل‌هایی چون گردو، فندق و بادام بالاست. (کاتلین هال، ۱۳۸۹، ۶۵)

امام رضا (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَحِّيْ أَكَلًا وَلَا شُرْبًا إِلَّا لِمَا فِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَالصَّالَحُ وَلَمْ يَحْرَمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَالثَّلَفُ وَالْفَسَادُ» خداوند هیچ اکل و شربی را حلال نکرده است مگر آن که نفع و صلح بشر در آن بوده است و هیچ یک را حرام ننموده است مگر آن که مایه‌ی زیان و مرگ و فساد است. (پیام آزادی، ۱۳۶۱، ۵۵) پس انسان برای سلامتی جسمانی و حتی روحانی خود به تعذیه‌ی حلال و سالم نیاز دارد.

اما بخیلی را که سعدی در این حکایت توصیف می‌کند مسلمان نمی‌تواند برای چنین راه کارهای هزینه بری پول خرج کند. «مال داری را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم. ظاهر حالت به نعمت دنیا آراسته و خست نفس جبلی در وی هم چنان ممکن، تا به جایی که نانی به جانی از دست ندادی، و گربه‌ی بوهریره را به لقمه‌ای نواختی و او را کس ندیدی درگشاده، و سفره‌ی او را سرگشاده درویش بجز بوی طعامش نشینید مرغ از پس نان خوردن او ریزه نچیدی» (گلستان، فضیلت قناعت، ۱۵)

برای این که جوان بمانید، ده راز را باید بدانید. که راز سوم و چهارم آن هزینه دارد و افراد خسیس از عهده‌ی آن به خوبی برنمی‌آیند. «سفر کردن را فراموش نکنید و سعی کنید هر از گاهی از وقت خود را با کسانی که واقعاً دوستشان دارید بگذرانید و نگذارید در این مدت کسی مزاحمتان شود.

اطراف خود را با چیزهایی که دوست دارید پر کنید. چیزهایی از قبیل گیاهان، موسیقی و سرگرمی‌های مورد علاقه» (محمد صادقی سیار، ۱۳۹۱، ۵۰)

نتیجه

در پایان سخن می‌توان چنین نتیجه گرفت که نخست دو راه کار توجه به بخشندگی و دوری از خساست دو کلید بسیار مهم برای ورود به قلعه‌ی خوشبختی است. کسانی که می‌خواهند طعم سعادت را بچشند حتماً باید بخشنده باشند و بخل نورزنند. چراکه بخشش، نوع دوستی است. انسان بخشنده می‌خواهد به دیگران کمک کند تا آنها از فقر رنج نبرند چنین شخصی خود نیز سلامت روحی خواهد داشت. همیشه آسوده خواهد بود و احساس شادی خواهد کرد. در عوض فرد بخیل، سلامتی روحی نخواهد داشت و به خاطر رژیم غذایی نامناسب، تندرستی خود را از دست خواهد داد.

دیگر اینکه این دو موضوع در ادبیات فارسی اهمیت فراوانی داشته و دارند و شاعران اخلاق‌گرا بخصوص سعدی که هم خود سعادت مادی و معنوی داشت و هم می‌خواست راههای آن را به مردم نشان دهد به این دو امر متضاد توجه زیادی داشتند. سعدی در عین حال که معلم اخلاق است یک روان‌شناس هم هست. او خوب می‌داند که عمل به این اصول اخلاقی می‌تواند یک آدم خود ساخته بسازد. انسانی که صاحب دنیا و آخرت باشد. پس بررسی چنین موضوعاتی در آثار سعدی هم بیان راه کارهای اخلاقی و روان‌شناسی موفقیت است هم اثبات این که علم روانشناسی موفقیت که امروزه در بسیاری از کتاب‌های غربیان از آن سخن رانده می‌شود، قرن‌ها پیش، مورد توجه نویسنده‌گان و شاعران فارسی زبان بوده است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- امام علی (ع) (۱۳۸۴) نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: پیام عدالت.
- ۳- توسعی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۳) منتخب اخلاق ناصری، شرح و انتخاب جلال الدین همایی، تهران: نشرهما.
- ۴- پیام آزادی (۱۳۶۱) حدیث تربیت (سخنان چهارده معصوم)، تهران: پیام آزادی.
- ۵- دنی، ریچارد (۱۳۹۱) هنر موفق بودن، ترجمه‌ی مهدی غروی، تهران: سلیس.
- ۶- رابرت کیوساکی (۱۳۹۲) پدر پول دار، پدر بی پول، ترجمه‌ی هنگامه خدابنده، تهران: طاهریان.
- ۷- سبحانی، آیت الله جعفر (۱۳۸۸) رمز پیروزی مردان بزرگ، قم: نسل جوان.
- ۸- سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۹) کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: امیر کبیر.
- ۹- سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۸) گلستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی.
- ۱۰- سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۷۲) بوستان، شرح محمد خزائلی، تهران: علمی.
- ۱۱- صادقی سیار، محمد (۱۳۹۱) زندگی را شکلات کنیم، تهران: کمال اندیشه.
- ۱۲- قشیری ابوالقاسم (۱۳۸۷) رساله‌ی قشیریه، تصحیح بدیع الزمان فروزان فر، تهران: زوار.
- ۱۳- کاتلین، هال (۱۳۸۹) ۴ راه شادکامی، ترجمه‌ی بهزاد رحمتی، تهران: تلاش.
- ۱۴- کارنگی، دیل (۱۳۸۸) آین زندگی، ترجمه‌ی سوزان خدیو، تهران: سپهر ادب.
- ۱۵- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۵۶) الکافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیه، جلد های ۲ و ۴.

- ۱۶ - معین، محمد (۱۳۸۴) فرهنگ معین، تهران: نامن، ج ۱.
- ۱۷ - میدی، رشید الدین ابوالفضل (۱۳۸۴) کشف الاسرار و عده الابرار، گزینش و گزارش رضا آن زابی نژاد، تهران: جامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتمال جامع علوم انسانی